

یک غفلت راهبردی



دانش‌آموزان با استعداد، به‌ویژه کودکان دوره ابتدایی، سلب می‌کند و آنان به خطا احساس می‌کنند توانایی لازم را در یادگیری بیشتر و بهتر و نیز در پیشرفت تحصیلی ندارند. البته یک رأس این مثلث، علاوه بر معلم و دانش‌آموز، والدین ایشان هستند که حتی با وجود داشتن سواد دانشگاهی و آگاهی‌های اجتماعی، به خاطر ندانستن روش‌های مطالعه و ناآگاهی در برنامه‌ریزی درست برای کودکان در چگونگی خواندن، مطالعه و تمرین کردن، فشار روانی و هزینه‌های مادی و معنوی گزافی را متوجه خانواده، مدرسه و اجتماع می‌کنند. ندانستن چگونگی برنامه‌ریزی درست و نابلدی در روش‌ها و فنون مطالعه، ثروت نهفته در مهارت‌های توسعه‌نیافته مردم ما را مدفون می‌سازد. این خطای راهبردی و این بی‌توجهی بزرگ نسبت به نارسایی‌ها و خسران‌ها موجب می‌شود با وجود کسب نمرات خوب در ارزشیابی‌های پیشرفت تحصیلی و حتی راه‌یابی به بهترین دانشگاه‌ها، فارغ‌التحصیلانی وارد جامعه شوند که کارآمدی و اثربخشی لازم را نداشته باشند. محصول داریم، اما کیفیت لازم را ندارد و این چرخه معیوب، به مرور تراز علمی کشور را هدف قرار می‌دهد و به شدت از آن می‌کاهد. لازم است مدیران مدرسه بخشی از یادگیری‌هایشان را وانهند و در کسب مهارت‌های یادگیری و برنامه‌ریزی درست برای درک و فهم بیشتر، ابتدا خویششان را بیارایند و سپس معلمان، دانش‌آموزان و والدین را تهییج کنند و آگاهی و تعلیم دهند تا هوش و استعداد‌های خود را به صورت درست و در مسیر درست یادگیری هدایت کنند.



این موضوع مهم را که حقیر در این سرمقاله بر آن تأکید داشته‌ام، مهم و ضروری تلقی کنید و در پی راه چاره باشید. نشریه رشد مدیریت مدرسه نیز ان‌شاءالله در شماره‌های بعد در ارائه رهنمود و راه چاره به مدد شما خواهد آمد.

انتظار نمی‌رود مدیران و رهبران مدرسه در همه حوزه‌های درسی و آموزشی تخصص داشته و سرآمد باشند. نیازی هم نیست این‌گونه باشند و به عبارتی دیگر شدنی هم نیست. مثلاً انتظار نداریم مدیران مدرسه در همه یا اغلب درس‌ها مهارت و اشراف داشته باشند. اما انتظار می‌رود، مدیران مدرسه‌ها بیشتر بدانند و مهارت‌های لازم را در این زمینه کسب کنند. آموختن روش‌های آموختن و دانستن مهارت‌های تنظیم برنامه، مطالعه و تخصیص زمان و مکان مناسب و خلق موقعیت‌های یادگیری برای معلمان و دانش‌آموزان لازم است.

شواهد نشان می‌دهند، بسیاری از معلمان و نیز اغلب دانش‌آموزان با وجود داشتن انگیزه، هوش و استعداد، بلد نیستند چگونه و در چه زمان و مکانی و چه موقعیتی مطالعه کنند. آموختن این مهم به آنان می‌تواند از وظایف و رسالت‌های بزرگ و ضروری مدیران مدرسه محسوب شود.

برخی از معلمان مدرسه، علاوه بر اینکه احساس نیاز چندانی به یادگیری ندارند، اگر بخواهند هم یاد بگیرند، بلد نیستند چگونه یاد بگیرند یا برای افزایش مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی خود چگونه مطالعه کنند و کدام کتاب‌ها و مقالات را بخوانند و به کدام وبگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی سر بزنند. این نادانسته‌ها و ندانم‌ها موجب می‌شود در فضای رهاشده یادگیری، رها شوند و به جای فاعل بودن به انفعال کشیده شوند. مطالب، حرف‌ها، تصویرها و فیلم‌های متعددی را ببینند، اما همچنان در سراب دانسته‌ها گرفتار آیند. به تبع آنان، دانش‌آموزان هم به چنین وضعیتی دچارند. چه بسیار استعداد‌هایی که به جهت ندانستن روش‌های مطالعه و برنامه‌ریزی درست، در چرخه معیوب یادگیری گرفتار می‌آیند و فرصت‌های طلایی بسیاری را از دست داده‌اند و می‌دهند. ندانستن برنامه و ندانستن کفایت در مهارت‌های یادگیری، به تدریج انگیزه پیشرفت و تلاش را از